فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی
سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۵، صفحات ۷۰-۴۳

اقتصاد مقاومتی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران جهت مقابله با رویکردهای خصمانه آمریکا و عربستان سعودی در بازار نفت

حسین هرورانی
پژوهشگر ارشد دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (نویسنده مسئول)
h.har2000@yahoo.com

موسی خوشکلام‌خسروشاهی
دکترای اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی و کارشناس‌ارشد دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
musa_khosroshahi@yahoo.com

اقتصاد مقاومتی مفهوم جدیدی است که با شدت گرفتن خصومت‌ها (با محوریت آمریکا) علیه کشور توسط مقام معظم رهبری مطرح شد. مطمئناً یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد ایران که همواره در معرض آسیب و ریسک قرار دارد بخش نفت است. مقاله حاضر با شناخت دقیق تغییرات و تحولات بازار جهانی نفت، تجزیه‌وتحلیل دقیق تحرکات کشورهای آمریکا و عربستان سعودی به‌عنوان دو کشور تأثیرگذار در بازار نفت و آسیب‌شناسی وضعیت اقتصادی کشور به لحاظ وابستگی به نفت، برای مقابله با رویکردهای خصمانه آمریکا و عربستان در بازار نفت که سازگار با چارچوب اقتصاد مقاومتی نیز باشد، راهبردهایی ارائه کرده که اهم راهبردها برای مقابله با این رویکرد خصمانه عبارتند از: خروج از اوپک، گسترش دیپلماسی انرژی، استفاده بهینه از ظرفیت ممتازی به‌نام اقتصاد مقاومتی، اعمال سیاست‌هایی جهت جایگزین‌ناپذیری نفت ایران برای مشتریان راهبردی در صورت تأکید بر تداوم صادرات نفت، رعایت عدالت بین نسلی و حفظ اصل سرمایه‌ها، تجهیز همه امکانات برای جلوگیری از خام فروشی نفت و صادرات فرآورده‌های نفتی با ارزش افزوده بالاتر، پرهیز از واردات بی‌رویه و بازگشت به سیاست تولید داخل در راستای اقتصاد مقاومتی، ارتقای بنیان‌های تولید و کمک به تغییر استراتژی تولید از سنتی به تولید تجاری و دانش پایه، کاهش تدریجی وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی و ایجاد ثبات در درآمدهای ارزی به‌واسطه تقویت مدیریت صحیح حساب ذخیره ارزی (یا صندوق توسعه ملی) کشور و در نهایت جلوگیری از گسترش حضور و دخالت دولت در اقتصاد و واگذاری امور اقتصادی کشور به بخش خصوصی.

طبقه‌بندی JEL: L13 , O13.

واژه‌های کلیدی: نفت، اقتصاد مقاومتی و راهبرد.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۵

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

۱. مقدمه

کشورهایی که دارای اهدافی ناهمسو با نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشند که در رأس آن‌ها آمریکا قرار دارد، با توجه به بینش نظام اقتصاد سرمایه‌داری که نظام اقتصادی حاکم بر اقتصاد آن‌ها است، ایجاد موانع و مشکلات اقتصادی را مؤثرترین راهکار برای اجرایی کردن سیاست‌ها، اهداف و برنامه‌های خود می‌دانند. بر این اساس چند دهه است (پس از پیروزی انقلاب اسلامی) که یک خط‌مشی سیاسی پایدار و مستمر تحت عنوان تحریم‌های اقتصادی را علیه جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌کنند. در طرف مقابل این وضعیت، مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) هدف این کشورها را به درستی تشخیص داده و چند سال پیش مفهوم و الگوی اقتصاد مقاومتی به‌عنوان الگوی مناسب مدیریت اقتصاد کشور مطرح گردید. در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ نیز سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) ابلاغ گردید (http://www.leader.ir).

یکی از مهم‌ترین مواردی که به‌طور صریح در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری وجود دارد مربوط به بخش نفت است. ۳ بند (بندهای ۱۳، ۱۴، ۱۵) از ۲۴ بند ابلاغ شده در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به‌طور مستقیم مربوط به بخش نفت بوده و در برخی بندها مثل بند ۱۸ به‌طور غیرمستقیم مورد توجه قرار گرفته است. بدون تردید بین یکی از مهم‌ترین مسائل، کاهش وابستگی اقتصاد کشور به نفت است تا در صورت هرگونه تهدید اقتصادی از سوی کشورهای بیگانه برای ضربه زدن به اقتصاد ایران، امنیت اقتصادی کشور تهدید نشود.

از اواسط سال ۲۰۱۴ شاهد حرکت‌هایی با محوریت آمریکا–عربستان در بازار نفت بوده‌ایم، به‌طوری‌که یکی از اهداف غایی این حرکات و فعالیت‌ها چیزی جز تهدید اقتصادی ایران نیست. توجه به روند تغییرات قیمت نفت نشان می‌دهد که قیمت سبد نفتی اوپک (و قیمت جهانی نفت) از ۱۰۸/۶۸ دلار به ازای هر بشکه در اول جولای ۲۰۱۴ (۱۰ تیر ماه ۱۳۹۳) شروع به کاهش گذاشته به‌طوری‌که قیمت نفت به ازای هر بشکه بیش از ۶۲ درصد کاهش یافته است (اوپک). با توجه به آسیب‌پذیری شدید بازار نفت، بسیاری این شوک قیمتی (روند کاهشی قیمت نفت) را توطئه‌ای می‌دانند که سرچشمه آن با محوریت عربستان و آمریکا می‌باشد. با عنایت به نکات

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

فوق‌الذکر، مقاله حاضر در صدد است تا با شناخت دقیق تغییرات و تحولات بازار جهانی نفت، تجزیه‌وتحلیل دقیق تحرکات کشورهای آمریکا و عربستان به‌عنوان دو کشور تأثیرگذار در بازار نفت و آسیب‌شناسی وضعیت اقتصادی کشور به لحاظ وابستگی به نفت، برای مقابله با رویکردهای خصمانه آمریکا و عربستان در بازار نفت که سازگار با چارچوب اقتصاد مقاومتی نیز باشد، راهبرد ارائه دهد.

در خصوص روش تحقیق مقاله حاضر باید اشاره کرد که نوع روش کیفی و مبتنی بر توصیف و تحلیل محتوا می‌باشد. حسب نیاز مقاله از منابع مختلف آماری و اطلاعاتی از قبیل بانک داده‌های سری زمانی بانک مرکزی، گزیده آمارهای اقتصادی، سری زمانی قیمت سبد نفت اوپک، گزارش‌های آماری سالیانه شرکت نفت BP و ... استفاده شده است.

۲. مبانی نظری اقتصاد مقاومتی

مفهوم‌پردازی اقتصاد مقاومتی می‌تواند در سایه بیان ویژگی‌های مفهومی آن، در یک گفتمان‌سازی در بین اقتصاددانان، زمینه نظری لازم برای اجماع نظریه‌پردازان و تصمیم‌سازان کشور بر روی الگویی کامل را فراهم نماید. در این زمینه، یک برداشت نادرست از اقتصاد مقاومتی، اتخاذ یک موضع انفعالی در برابر تهاجم، تهدید یا تحریم‌های اقتصادی و پذیرش ریاضت، محدودیت و محرومیت است. در حالی‌که در مفهوم‌پردازی صحیح اقتصاد مقاومتی، کسب توانمندی‌های بیشتر و جدیدتر و اتخاذ موضع فعال و پویا برای ایستادگی و ماندن و خنثی کردن راهبردهای تحریمی بیگانگان و کسانی که منافعشان با ما ناهمسوست محور اصلی را تشکیل می‌دهد که بر اساس یک نظام کارامد اقتصادی و با تکیه بر منابع داخلی عمل می‌کند. بر این اساس اقتصاد مقاومتی یک الگوی خاص با مبانی، اصول، الزامات، سیاست‌ها و راهکارهای خاص خود است و یک برنامه کوتاه‌مدت یا ترمیمی یا حتی موازی با برنامه‌های متعارف نیست. یک تعریف دیگر این است که اقتصاد مقاومتی یک راهکار محض دفاعی اقتصادی نیست، یعنی نه اینکه فقط بمانیم و دفاع کنیم و یا انفعال کوتاه‌مدت در برابر تحریم‌ها داشته باشیم، بلکه الگویی اسلامی، بومی و ایرانی در عرصه اقتصاد است. این تعریف البته متضمن نکات فراوانی است. مقاومت در جایی است که نوعی تعدی و فشار و تهاجم وجود داشته باشد و قیام کردن و ایستادگی در برابر این زور و هجوم بیگانه، ریشه در باورهای دینی و فرهنگی جامعه دارد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

در این صورت مقاومت اقتصادی، ایستادگی در عرصه اقتصاد است که در تاریخ اقتصادی کشورهایی همچون آلمان، ژاپن، هند به شکل‌های متفاوتی بروز کرده است. در مورد سابقه اقتصاد مقاومتی می‌توان به تجربه ویتنام با جغرافیا، ارزش‌ها و فرهنگ خاصی که در آن کشور وجود دارد اشاره کرد. ژاپن از دهه ۵۰ به بعد، و همچنین آلمان و هند نمونه‌های دیگری هستند (مجموعه مقالات، نشست تخصصی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۱).

با توجه به گستردگی دامنه اقتصاد مقاومتی، در ذیل به چند مورد از تعاریف آن اشاره شده است:

– اقتصاد مقاومتی گفتمان و الگوی اقتصادی است که ضمن مقاوم‌سازی و تقویت اقتصاد ملی در برابر تهدیدها، توان تحریم‌شکنی با رویکرد عقب راندن نظام سلطه را داشته باشد و در عین‌حال، پیشرو، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا و برون‌گرا باشد.

– اقتصاد مقاومتی یعنی اینکه پس از شناسایی حوزه‌های فشار و تحریم، حوزه‌های فشاری را که ممکن است از ناحیه خارج به کشور وارد شود شناسایی و در جهت کنترل و خنثی‌سازی این فشارها تلاش و بالاتر از این بتوان تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد.

– در یک تعریف کوتاه، اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که تهدیدها را تبدیل به فرصت می‌کند (نشت تخصصی اقتصادمقاومتی، ۱۳۹۱).

– بریگاگلیو (۲۰۰۶) از اصطلاحی به‌نام فنریت اقتصادی[1] برای اشاره به توان سیاست ساخته یک اقتصاد برای بهبود (یا انطباق با) آثار شوک‌های برون‌زای مخالف استفاده کرده که این اصطلاح با تعریفی که از آن شده، نزدیک‌ترین مفهوم به اقتصاد مقاومتی است. از دید وی فنریت اقتصادی به دو مفهوم به‌کار می‌رود. نخست، توانایی اقتصاد برای بهبود سریع از شوک‌های اقتصادی تخریب‌کننده خارجی و دوم، توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار آن شوک‌ها (اله مراد، ۱۳۹۱).

آنچه در پیشینه اقتصاد مقاومتی بحث می‌شود یکی تحت عنوان اقتصاد حمایتی است که پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده و بحث دیگر، اقتصاد تحریم است که البته اقتصاد تحریم بیشتر از موضع تحریم‌کننده‌ها مطرح شده است؛ یعنی محور اصلی بحث این بوده است که آیا تحریم کارایی دارد؟ آیا موجب می‌شود که تحریم‌کننده‌ها به اهداف خود برسند؟ در اقتصاد

1. Economic Resilience

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

حمایتی بحث این بود که در یک جریان رقابت بین اقتصادهای قوی و ضعیف، قاعدتاً باید کشور ضعیف از صنایع خود در مقابل رقیب قوی حمایت کند. اما اقتصاد مقاومتی در حقیقت به این معناست که به یک اقتصاد و یک نظامی می‌اندیشیم که وقتی در مقابل تهدید و حمله دشمن قرار می‌گیرد، نه‌تنها رشد بلکه جهش می‌کند. یعنی نه‌تنها نمی‌ایستد و عقب نمی‌رود، بلکه همین تهدید را تبدیل به فرصت می‌کند، درست مثل زمانی که نظام اسلامی در مقابل حمله نظامی دشمن قرار می‌گیرد. در همان هنگام هم در نظام اسلامی ویژگی‌هایی به‌وجود می‌آید و کل نظام در بخش دولت و مردم آرایشی به خود می‌گیرد که می‌تواند این تهدید را تبدیل به فرصت کند و پلکانی برای جهش شود که نمونه آن را در زمان جنگ و دفاع مقدس شاهد بودیم. این تغییرات از اهداف و مبانی شروع می‌شود و به تبع آن به تغییر در سیاست‌ها و برنامه و رفتارهای مردم می‌انجامد. اگر فرض کنیم که اهداف نظام اقتصادی اسلام عبارتست از عدالت، رشد و امنیت، وقتی این نظام در مقابل حمله اقتصادی دشمن قرار می‌گیرد. در میان این سه هدف، یک هدف از اولویت بیشتر برخوردار می‌شود و دو هدف دیگر از اولویت کمتری برخوردار خواهد بود. هدفی که اولویت بیشتری می‌یابد عبارتست از امنیت، استقلال و خودکفایی اقتصادی؛ البته می‌دانیم که این مفاهیم عام و خاص هستند. به تناسب اولویت یافتن این هدف، در سیاست‌ها و برنامه‌ها هم تغییراتی باید حاصل شود تا دستیابی به این هدف میسر شود. وقتی می‌گوییم اولویت می‌یابد یعنی اینکه در این شرایط ممکن است اهداف دیگر را برای حفظ استقلال و امنیت اقتصادی کشور فدا کنیم. پدیده دیگری که رخ می‌دهد در مبانی مکتبی نظام اقتصادی اسلامی است. یکی از مبانی نظام اقتصادی اسلام تقدم مصالح جامعه بر مصالح فرد است. در شرایط تهدید دشمن این مبنا مؤکد می‌شود، یعنی هر چقدر مصلحت جامعه مسلمین و مصلحت نظام مهم‌تر باشد، مصالح فردی به همان نسبت بیشتر فدا می‌شود تا مصلحت نظام حفظ شود.

در کل باید اشاره کرد که اقتصاد مقاومتی، عبارت است از حالتی که نظام اقتصادی در وضعیت تهدید جدی دشمن به خود می‌گیرد. در این حالت امنیت و استقلال اقتصادی در بین اهداف اولویت می‌یابد و مبنای تقدم مصالح عمومی بر مصالح فردی به تناسب تهدید دشمن مؤکد می‌شود (نشت تخصصی اقتصادمقاومتی، ۱۳۹۱).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

۳. آسیب‌شناسی اقتصاد ایران به لحاظ وابستگی به بخش نفت و پیامدهای آن

نحوه استفاده از فواید حاصل از منابع طبیعی به‌ویژه نفت همواره مورد توجه سیاستمداران و متخصصان اقتصادی و سیاسی بوده، به نحوی که عملکرد کشورهای مختلف برخوردار از منبع طبیعی نفت نشان می‌دهد که این ثروت بادآورده می‌تواند هم آفریننده و هم مخرب باشد. نکته حائز اهمیت در مورد نفت نحوه مدیریت درآمدهای حاصل از این منبع طبیعی است. در ایران بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی و سیاسی بر این باورند که ثروت نفت عملکرد اقتصادی کشور را تحلیل برده و اثر سوئی بر ساختار اقتصادی کشور داشته است به‌گونه‌ای که از ثروت نفت در کشور به‌مثابه بلا و نفرین نیز یاد می‌شود.

۳-۱. تبیین وابستگی اقتصاد ایران به نفت

از دیرباز نفت و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات آن نقش کلیدی در اقتصاد ایران داشته چراکه در سبد درآمدی دولت از وزن بالایی برخوردار است. نفت از کانال‌های مختلف بر اقتصاد ایران اثرگذار است که شامل سهم دولت از درآمدهای نفتی، سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفتی و سهم شرکت ملی نفت از درآمدهای نفتی است. در مورد صندوق توسعه ملی و شرکت ملی نفت فقط به ذکر این نکته کفایت می‌کنیم که هر چقدر سهم این دو نهاد افزایش یابد و درآمد کمتری از بابت نفت نصیب دولت شود، عواید حاصله برای اقتصاد ایران نیز بیشتر خواهد بود، چراکه ماهیت این دو نهاد داشتن نگاه سرمایه‌ای به این درآمدها بوده و هر دو نهاد فوق، درآمدهای مربوط به سهم خود از صادرات نفت را برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور (صندوق توسعه ملی) و صنعت نفت کشور (شرکت ملی نفت) هزینه می‌کنند.

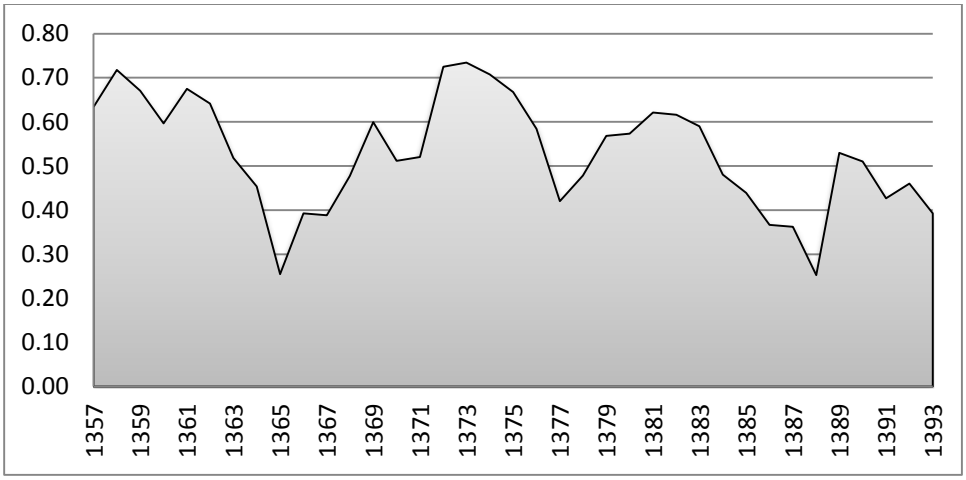
دولت به‌عنوان نهاد سوم که از درآمدهای نفتی سهم می‌برد نقش حائز اهمیتی در اقتصاد ایران دارد. درآمدهای نفتی که نصیب دولت می‌شود از کانال‌های مختلفی بر اقتصاد ایران اثرگذار است که در صورت وارد شدن هرگونه خدشه به درآمدهای نفتی، اقتصاد ایران نیز متأثر می‌شود. نخستین کانال اثرگذاری درآمدهای نفتی مربوط به مخارج جاری دولت است. دولت با عنایت به عدم کفاف درآمدهای مالیاتی نسبت به هزینه‌های خود همواره اقدام به تبدیل ارز ناشی از درآمدهای نفتی به ریال و تأمین بخشی از هزینه‌های جاری می‌کند. از این‌رو هرگونه اخلال در درآمدهای نفتی از کانال مخارج جاری دولت، بر اقتصاد ایران اثرگذار خواهد بود. کانال

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

دیگر مربوط به هزینه‌های عمرانی دولت است. یکی از اصلی‌ترین منابع تشکیل سرمایه دولتی مربوط به درآمدهای ناشی از صادرات نفت است. بنابراین چنانچه در این منبع درآمدی اخلالی ایجاد شود باعث متأثر شدن هزینه‌های عمرانی دولت شده و از آن طریق نیز بر رشد سرمایه‌گذاری ودر نهایت رشد اقتصادی اثر سوء خواهد داشت. بنابراین تغییر در رشد اقتصادی باعث تغییر در درآمد ملی شده و از این طریق بر مصرف نهایی و پس‌انداز بخش خصوصی نیز تأثیرگذار خواهد بود. کانال دیگر مربوط به بازار ارز است. می‌دانیم که دولت تأمین‌کننده اصلی ارز در بازار ارز کشور است که تبعیت زیادی از ارزهای حاصل از صادرات نفت دارد. بنابراین چنانچه اخلالی در درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت به‌وجود آید، باعث متأثر شدن بازار ارز (افزایش نرخ ارز) شده و از آن طریق نیز اثرات سوء بر بدنه اقتصاد ایران خواهد داشت.

تبیین آماری جایگاه نفت در اقتصاد ایران می‌تواند هم به‌طور مستقیم (شامل اثرات مستقیم ناشی از درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران) و هم به‌طور غیرمستقیم (شامل اثرات غیرمستقیم ناشی از درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران) باشد. یکی از اثرات مستقیم درآمدهای نفتی مربوط به نقش درآمدهای نفتی در بودجه عمومی دولت است. نمودار (۱) نشان‌دهنده آمار مربوطه است. مشاهده می‌شود که طی دوره (۱۳۹۳-۱۳۵۷) در عمده سال‌ها سهم درآمدهای نفتی از بودجه دولت بالغ بر ۵۰ درصد و حتی در برخی سال‌ها (سال‌های ۱۳۵۸ و سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۲) بالغ بر ۷۰ درصد نیز بوده است. این آمار حاکی از اتکای بالای بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]



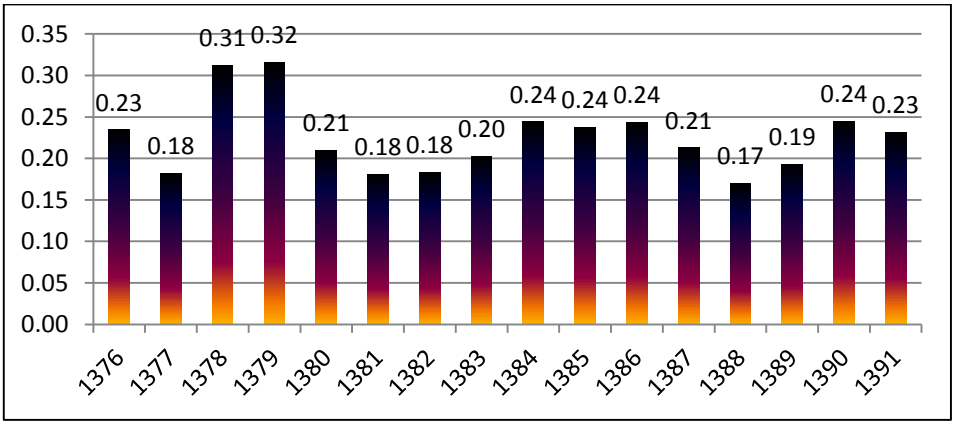
مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (WWW.CBI.ir).

نمودار ۱. سهم درآمدهای نفتی از بودجه عمومی دولت[1] (درصد)

نمودار (۲) نشان‌دهنده نسبت صادرات نفتی به تولید ناخالص داخلی است. همانگونه که مشاهده می‌شود سهم صادرات نفتی در تولید ناخالص داخلی کشور رقم نسبتاً بالایی است، به‌طوری‌که طی دوره (۱۳۹۱-۱۳۷۶) بیشترین سهم مربوط به سال ۱۳۷۹ با ۳۲ درصد و کمترین سهم مربوط به سال ۱۳۸۸ با ۱۷ درصد می‌باشد. به‌طور متوسط در دوره مورد بررسی، سهم صادرات نفتی از تولید ناخالص داخلی برابر با ۲۲ درصد است که رقم نسبتاً بالایی بوده و حاکی از وابستگی تولید ناخالص داخلی کشور به صادرات نفت می‌باشد. نکته مهم این است که نسبت صادرات نفت به تولید ناخالص داخلی، از روندی نزولی برخوردار است.

۱. سهم نفت از بودجه دولت عبارت است از: نسبت درآمدهای نفتی به کل درآمدهای دولت (شامل درآمد مالیاتی، درآمد واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای، درآمد واگذاری دارایی‌های مالی و سایر درآمدها).

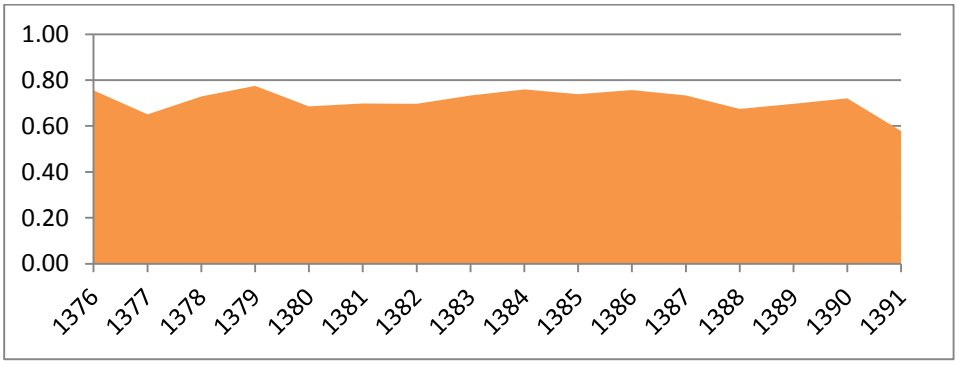
[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (WWW.CBI.ir)

نمودار ۲. نسبت صادرات نفت به تولید ناخالص داخلی (درصد)

یکی دیگر از شاخص‌هایی که به‌طور مستقیم می‌تواند نشان‌دهنده وابستگی اقتصاد کشور به نفت باشد سهم ارز حاصل از صادرات نفت از کل ارز ورودی به کشور است. مطابق نمودار (۳) همواره سهمی بالغ بر ۶۰ درصد از کل ارز ورودی به کشور به‌خاطر ارز ناشی از صادرات نفتی بوده به‌طوری‌که در برخی سال‌ها به مرز ۸۰ درصد نیز رسیده است. این آمار حاکی از وابستگی شدید ارز مورد نیاز در داخل کشور به ارز حاصل از صادرات نفت بوده و بسیار نگران‌کننده است، چراکه چنین درجه بالایی از وابستگی ارز کشور به نفت می‌تواند در مواقعی نظیر تحریم‌ها که امکان صادرات نفت و حصول درآمدهای ارزی میسر نیست، بسیار خطرناک باشد.

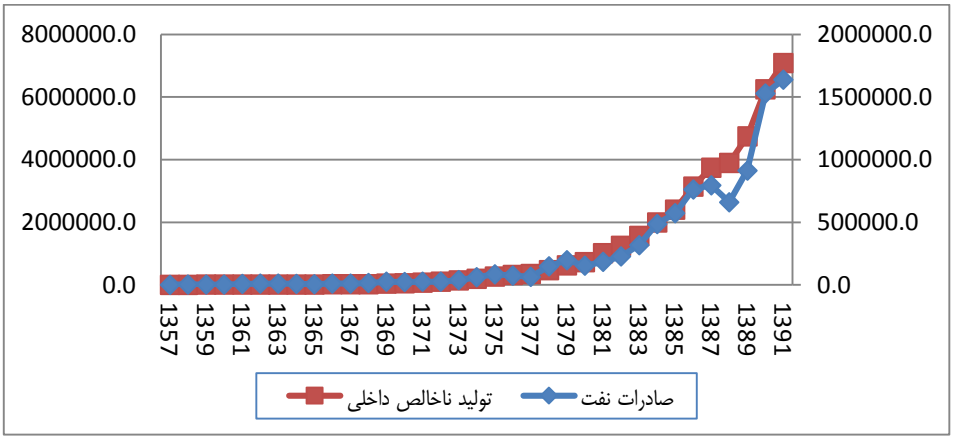


مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (WWW.CBI.ir).

نمودار ۳. سهم ارز نفتی از کل ارز ورودی به کشور (درصد)

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

علاوه بر اثرگذاری مستقیم نفت بر اقتصاد ملی، به‌طور غیرمستقیم نیز اقتصاد ایران از بخش نفت اثر می‌پذیرد. نمودار (۴) نشان‌دهنده روند تغییرات صادرات نفتی و تولید ناخالص داخلی است. مشاهده می‌شود که روند تغییرات دو متغیر کاملاً شبیه بوده، به‌طوری‌که روند حرکتی GDP طی دوره مورد بررسی کاملاً تابعی از روند حرکتی صادرات نفتی است. بنابراین علی‌رغم کاهش مستقیم سهم صادرات نفتی در GDP، به‌طور غیرمستقیم وابستگی GDP به صادرات نفتی وجود داشته و افزایش نیز یافته است.

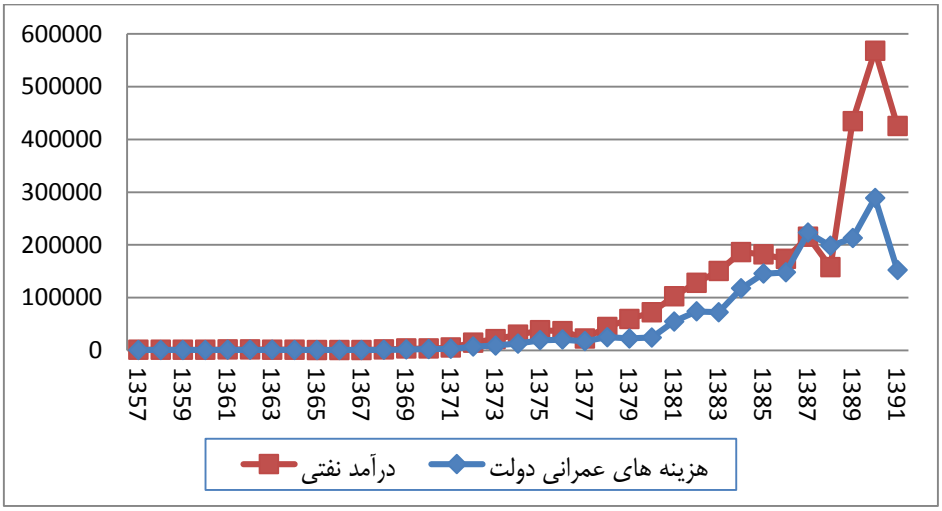


مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (WWW.CBI.ir).

نمودار ۴. روند تغییرات صادرات نفت و تولید ناخالص داخلی (میلیارد ریال)

نمودار (۵) نشان‌دهنده یکی دیگر از اثرات غیرمستقیم نفت بر اقتصاد ایران است. در این نمودار روند تغییرات دو متغیر هزینه‌های عمرانی دولت (شاخصی از سرمایه‌گذاری بخش دولتی) و درآمدهای نفتی (سهم دولت) نشان داده شده است. دو متغیر مذکور از روند مشابهی برخوردارند و این نشان‌دهنده همبستگی بین دو متغیر می‌باشد. با توجه به اینکه منبع اصلی دولت برای تأمین هزینه‌های عمرانی مربوط به درآمدهای نفتی است، از این طریق نیز نقش نفت (نقش غیرمستقیم نفت) در اقتصاد ایران به‌وضوح قابل مشاهده است. نکته قابل ذکر مربوط به سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ می‌باشد که اختلاف بین روند دو متغیر بیشتر شده که دلیل آن نیز مربوط به رشد شدیدتر درآمد نفتی نسبت به رشد هزینه‌های عمرانی دولت است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (WWW.CBI.ir).

نمودار ۵. روند درآمدهای نفتی و هزینه‌های عمرانی دولت (میلیارد ریال)

۳-۲. کانال‌های سوء تأثیرگذاری درآمدهای نفتی بر اقتصاد کشور

صادرات نفت و درآمدهای ارزی حاصل از آن از کانال‌های مختلفی بر اقتصاد ایران مؤثر است که برخی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین کانال‌های اثرگذاری این درآمدها عبارتند از:

- برنامه‌ریزی اقتصادی ناپایدار و غیرمستمر: نفت کالایی است که بازار جهانی داشته و قیمت آن نیز در بازار جهانی تعیین می‌شود، بنابراین اقتصاد ایران هیچ‌گونه نقشی در تعیین قیمت آن نداشته و قیمت نفت به‌صورت برون‌زا تعیین می‌شود. بنابراین این برون‌زا بودن به‌معنای برخورداری قیمت نفت از ماهیتی نوسانی است. حال با توجه به نوسانی بودن قیمت نفت، طبیعی است که ورود درآمدهای نوسانی ناشی از صادرات نفت اقتصاد کشور، باعث بروز نوسان‌های مثبت و منفی در اقتصاد ایران می‌شود. نتیجه ورود این منابع درآمدی بی‌ثبات، نوسانی و ناپایدار، عدم توانایی در برنامه‌ریزی مستمر و پایدار برای سیاستگذاران دولتی است.
- عدم کشف توانمندی‌ها و ظرفیت‌ها در اقتصاد کشور (اثر مدرن‌سازی)[1]: یکی از مشکلاتی که معمولاً در نتیجهٔ عدم مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی شده درآمدهای حاصل از صادرات نفت ایجاد می‌شود، این است که وابستگی به درآمدهای نفتی، مانع از کشف

1. Modernization Effect

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اقتصاد کشور می‌گردد. معمولاً حکومت‌های دارای درآمد قابل ملاحظه از محل منابع طبیعی، نیازی به استفاده از تخصص و بهبود کارایی نمی‌بینند، زیرا نیازهای خود را از طریق صرف درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی برطرف می‌کنند.

• افزایش دامنه دخالت دولت در اقتصاد: در کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان نظیر ایران، معمولاً دولت‌ها به‌دلیل بهره‌مندی از رانت‌های عظیم منابع، بسیار بزرگ و حجیم شده و این امر معمولاً منجر به برون‌زایی جبری بخش خصوصی توسط بخش دولتی می‌شود و دولت‌ها به‌جای انجام فعالیت‌های مکمل بازار،[1] به فعالیت‌های جانشین بازار[2] می‌پردازند. یعنی به‌جای این‌که دولت‌ها به‌عنوان پشتیبان بخش خصوصی عمل نمایند، به‌صورت رقیب بخش خصوصی در عرصه اقتصاد ظاهر می‌شوند و نتیجه این امر تخصیص ناکارای منابع کشور است.

• بروز پدیده بیماری هلندی[3] و گسترش تورم در اقتصاد: پس از کشف منابع عظیم گاز طبیعی در سال ۱۹۵۹ در هلند و افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صدور این منابع، اقتصاد این کشور با مشکلات متعددی روبرو شد. در سال ۱۹۷۷، نشریه اکونومیست لندن، در توصیف این پدیده عجیب، برای نخستین بار اصطلاح بیماری هلندی را به‌کار برد که در دهه ۷۰ برخی کشورهای دیگر، از جمله انگلستان را نیز مبتلا ساخته بود.

۳-۳. پیامدهای وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی

در حال حاضر اقتصاد ایران پس از چند دهه اتکا به منابع نفتی و تجربه شرایط متفاوت از جمله سپری کردن دوران جنگ تحمیلی، اجرای برنامه‌های تعدیل اقتصادی، روی‌کار آمدن دولت‌های دارای تفکرات اقتصادی متفاوت و نیز دوران‌های متفاوت تعامل با جامعه بین‌المللی، دارای ساختاری است که مهم‌ترین ویژگی‌های آن را می‌توان به‌شرح زیر برشمرد: سهم بالای درآمد نفتی در صادرات و بودجه عمومی دولت، نقش پررنگ دولت در اقتصاد ملی، بی‌تأثیری یا کم‌تأثیری سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی بر بهبود عملکرد اقتصاد و نقش پررنگ

۱. منظور از فعالیت‌های مکمل بازار، فعالیت‌هایی است که بخش خصوصی قادر به انجام آن‌ها نیست و باید توسط دولت انجام شوند. مثل تأمین و تضمین امنیت، قانون‌گذاری، تأمین زیرساخت‌ها و ... .

۲. منظور از فعالیت‌های جانشین بازار، فعالیت‌هایی است که از عهده بخش خصوصی برمی‌آید و منطقاً نیازی به ورود و دخالت دولت در آن احساس نمی‌شود.

3. Dutch Disease

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

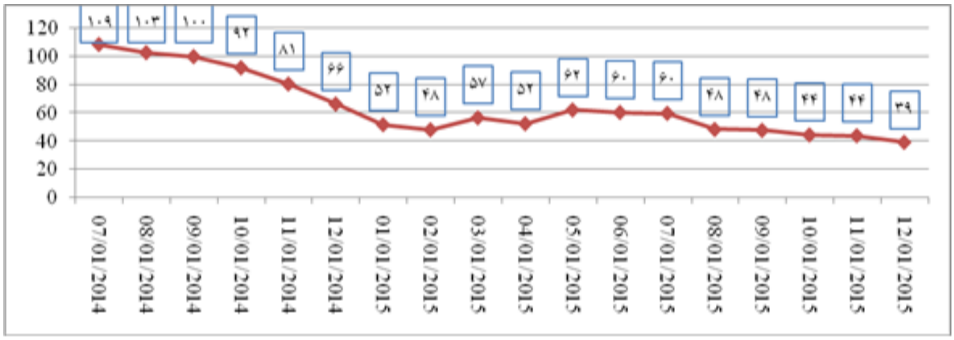
شوک‌های نفتی در بروز چرخه‌های تجاری. مروری بر رفتار اقتصادی دولت‌ها، نشان می‌دهد که نفت بیش از آنچه که نعمتی در جهت رفاه و پیشرفت کشور باشد، به‌صورت عذاب و آفتی برای انحراف اقتصاد از مسیر اصلی بروز کرده است. این در حالی است که نفت در واقع یک ثروت بین نسلی است و باید خرج سرمایه‌گذاری ماندگار و بلندمدت شود، نه مخارج روزمره و مصرفی.

۴. بررسی وضعیت و نقش عربستان سعودی و آمریکا در بازار جهانی نفت

تقریباً از اواسط سال ۲۰۱۴ بازار جهانی نفت شاهد تحولات جدیدی بود و قیمت جهانی نفت که در حدود ۱۰۹ دلار به ازای هر بشکه بود، روند کاهشی خود را آغاز کرد. بدون تردید عوامل متعددی وجود دارند که در شکل‌گیری روند کاهشی قیمت جهانی نفت نقش دارند. در کنار عوامل مختلف مؤثر بر شکل‌گیری روند کاهشی قیمت جهانی نفت، شاهد حرکت‌هایی با محوریت آمریکا – عربستان در بازار نفت نیز بوده‌ایم، به‌طوری‌که یکی از اهداف غایی این حرکات و فعالیت‌ها چیزی جز تهدید اقتصادی ایران نیست؛ چراکه کشورهای تهدیدکننده به وابستگی اقتصاد ایران به نفت و درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت آگاهند.

نمودار (۶) نشان‌دهنده روند کاهشی قیمت نفت از ابتدای ماه جولای سال ۲۰۱۴ (۱۰ تیر ماه ۱۳۹۳) تا اول دسامبر سال ۲۰۱۵ (۱۰ آذر ۱۳۹۴) است. توجه به روند تغییرات قیمت نفت نشان‌دهنده روند کاملاً نزولی قیمت نفت (قیمت سبد نفت اوپک) بوده، به‌طوری‌که قیمت نفت از ۱۰۹ دلار به ازای هر بشکه در اول جولای ۲۰۱۴ (۱۰ تیر ماه سال ۱۳۹۳) به ۳۹ دلار به ازای هر بشکه در اول دسامبر ۲۰۱۵ (۱۰ آذر ماه سال ۱۳۹۴) رسیده است. به بیان دیگر قیمت نفت در مدت‌زمان حدود ۱۷ ماه، حدود ۶۴ درصد کاهش یافته است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]



مأخذ: سایت اوپک.

نمودار ۶. روند تغییرات قیمت سبد نفتی اوپک (بشکه / دلار)

تغییرات در قیمت نفت را می‌توان هم از جنبه سیاسی، هم از جنبه اقتصادی و هم از جنبه فنی مورد بررسی قرار داد، اما نکته مهم این است که بررسی تغییرات قیمت نفت از طریق هرکدام از جنبه‌های فوق‌الذکر در نهایت اثرگذاری خود بر قیمت نفت را از کانال عوامل بنیادین بازار نفت یعنی عرضه و تقاضای نفت نشان می‌دهد.

از جنبه اقتصادی، یکی از دلایل کاهش قیمت نفت مربوط به افزایش عرضه نفت و کاهش تقاضای آن است. در سمت تقاضای نفت، شاهد کاهش تقاضای نفت در کشورهای صنعتی هستیم که دلیل آن مربوط به کاهش سرعت رشد اقتصادی در آن‌ها (به‌عنوان نمونه اروپا و چین) است.

در سمت عرضه افزایش در عرضه نفت توسط کشورهای مختلف اوپک و غیر اوپک روی داده است. در سمت عرضه نفت نیز از یک‌سو تولید عربستان،[1] عراق، لیبی و نیجریه افزایش پیدا کرده و آتش‌بس بین روسیه و اوکراین حاصل شده است و از سوی دیگر با پیشرفت تکنولوژی استخراج نفت شیل[2] در آمریکا و در نتیجه کاهش واردات نفت این کشور از غرب آفریقا و همچنین افزایش صادرات نفت آمریکا به کانادا، عرضه نفت افزایش پیدا کرده و موجب افت قیمت نفت شده است.

۱. در مورد عربستان باید بیان کرد که این کشور با توجه به شرایط منطقه اقدام به افزایش تولید خود کرد تا مانع افزایش قیمت نفت شود، اما در حال حاضر که تولیدکنندگان نفت به بازار برگشته‌اند، حاضر به کاهش تولید خود نیست.

2. Oil Shale

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

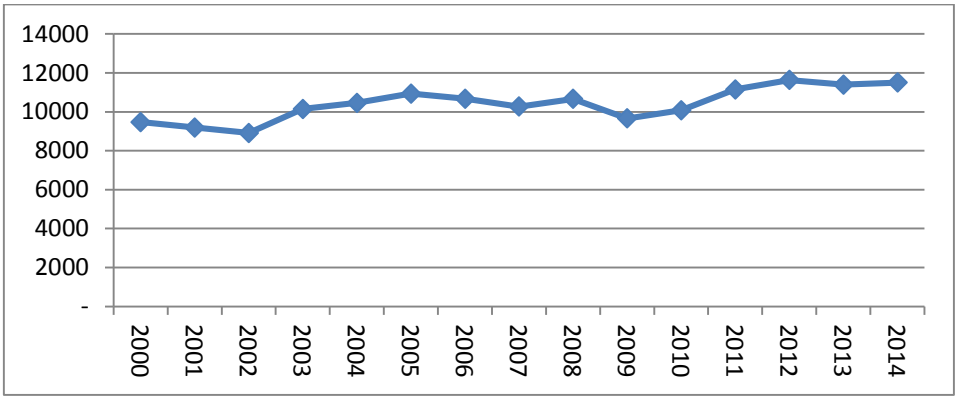
اختلافات سیاسی بین روسیه و آمریکا نیز می‌تواند عاملی سیاسی برای تحت تأثیر قرار گرفتن بازار نفت باشد. غیر از مباحث مطرح شده، عده‌ای از کارشناسان حوزه نفت معتقدند که بازارهای بورس و معاملات کاغذی و آتی نفت و سوداگری‌های موجود در آن بازارها نیز گاهی قیمت‌های جهانی نفت در معاملات فیزیکی یا جاری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین تقویت ارزش دلار در برابر یورو نیز به‌عنوان دلیل دیگری برای کاهش قیمت نفت مطرح است (وبلاگ حسن تاش).

۴-۱. نقش عربستان سعودی در بازار جهانی نفت

بدون تردید عربستان یکی از مهم‌ترین کشورها در بازار جهانی نفت است. بررسی وضعیت عربستان به لحاظ ذخایر اثبات‌شده نفت، تولید نفت و صادرات نفت نشان‌دهنده این واقعیت است. طبق آخرین آمار که مربوط به سال ۲۰۱۴ است، ذخایر اثبات‌شده نفت عربستان برابر با ۲۶۷ میلیارد بشکه بوده است که پس از ونزوئلا با ۲۹۸ میلیارد بشکه جایگاه دوم جهان را در اختیار دارد (مارتین و سانلی، ۲۰۱۴). به لحاظ سهم نیز چیزی در حدود ۱۶ درصد از کل ذخایر اثبات‌شده نفت در جهان متعلق به عربستان است. پس از عربستان نیز کشورهای کانادا و ایران به لحاظ ذخایر اثبات‌شده نفت به‌ترتیب با ۱۷۳ و ۱۵۸ میلیارد بشکه در رده‌های بعدی قرار دارند.

عربستان سعودی از جمله کشورهایی است که به لحاظ تولید نفت نیز در رده‌های بالای جهانی قرار دارد. بر اساس آخرین آمار در سال ۲۰۱۴، تولید نفت عربستان سعودی برابر با ۱۱/۵ میلیون بشکه در روز بوده است که پس از آمریکا در رده دوم قرار و حدود ۱۳ درصد از کل تولید نفت جهان را در اختیار داشته است. پس از عربستان سعودی نیز کشورهای روسیه، کانادا و چین به‌ترتیب با ۱۱/۸، ۴/۳ و ۴/۲ میلیون بشکه تولید نفت در روز رتبه‌های سوم تا پنجم جهانی را در اختیار داشته‌اند.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]



مأخذ: BP (http://www.bp.com/).

نمودار ۷. تولید نفت عربستان سعودی (میلیون بشکه در روز)

نمودار (۷) نشان‌دهنده روند تولید نفت عربستان سعودی طی دوره (۲۰۱۴-۲۰۰۰) است. همانگونه که مشاهده می‌شود همواره تولید نفت عربستان سعودی بالغ بر ۸ میلیون بشکه در روز بوده و هیچ سالی نیز تولید نفت این کشور به ۱۲ میلیون بشکه در روز نرسیده است. به‌عبارت دیگر تولید نفت عربستان سعودی همواره در بازه بین ۸ تا ۱۲ میلیون بشکه در روز در نوسان بوده است. بررسی آمار مربوط به صادرات نیز نشان می‌دهد که عربستان سعودی در جهان در رتبه نخست قرار دارد. در سال ۲۰۱۴، عربستان سعودی با صادرات نفت روزانه برابر با ۸/۳ میلیون بشکه در رتبه نخست جهان قرار داشته است. جایگاه عربستان سعودی در بین کشورهای سازمان اوپک نیز کاملاً مشخص است، به‌طوری‌که عربستان سعودی هم به لحاظ ذخایر اثبات‌شده نفت، هم به لحاظ تولید نفت و هم به لحاظ صادرات نفت در جایگاه نخست کشورهای منطقه و کشورهای عضو اوپک قرار دارد.

۴-۱-۱. نقش عربستان سعودی در کاهش قیمت نفت

بدون تردید یکی از سرچشمه‌های کاهش قیمت جهانی نفت کشور عربستان سعودی است؛ چراکه نه با کاهش تولید اوپک موافقت می‌کند (تا از طریق کاهش عرضه نفت مانع افت قیمت

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

نفت شود) و نه خودش حاضر به کاهش تولید نفت برای کاهش عرضه نفت و افزایش قیمت آن است.[۱]

در حال حاضر عربستان سعودی بزرگترین صادرکننده و تولیدکننده نفت در بین کشورهای اوپک است. از طرفی عربستان نقش ترازکننده و انحصاری در بازار نفت داشته و هیچ کشوری به‌جز عربستان توان تولید ظرفیت مازاد را ندارد. بر اساس آمارهای موجود، عربستان سعودی ۲/۷ میلیون بشکه در روز ظرفیت مازاد دارد که سایر کشورها فاقد چنین ظرفیتی هستند. وجود چنین ظرفیت مازادی باعث شده که از سال ۲۰۱۰ تاکنون، عربستان بتواند حدود ۱/۳ میلیون بشکه در روز از عدم حضور سایر کشورها در بازار سود ببرد. طی این دوره ایران توان صادرات ۶۰۰ هزار بشکه نفت را در بازار جهانی از دست داده، اما در مقابل امارات ۳۰۰ و کویت بیش از ۴۰۰ هزار بشکه در روز در بازار به‌دست آورده‌اند.

با نگاهی به چشم‌انداز عرضه و تقاضای جهانی نفت در میان‌مدت یعنی تا سال ۲۰۱۸ می‌توان به ارزیابی توانایی عربستان برای ادامه چنین نقشی در بازار نفت پرداخت. در حال حاضر تقاضا از اوپک برای تولید نفت، حدود ۲۹/۷ میلیون بشکه در روز است که این میزان تا سال ۲۰۱۸ به ۲۸/۹ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت. در واقع، جهان در سال ۲۰۱۸ نفت کمتری را تقاضا خواهد کرد. در حال حاضر تولید نفت عربستان ۹/۳ میلیون بشکه در روز، عراق ۳/۲ میلیون بشکه در روز و مجموع تولید اوپک نیز ۳۰/۲ میلیون بشکه در روز است. در این بین برخی کشورها از برنامه افزایش تولید خود خبر داده‌اند. عراق اعلام کرده که تا سال ۲۰۱۸ تولید نفت خود را به ۶ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد داد (آژانس بین المللی انرژی، ۲۰۱۲). یعنی تا سال ۲۰۱۵ تولید نفت عراق به ۴/۸ میلیون بشکه در روز می‌رسد. لیبی نیز تولید خود را به ۷۰۰ هزار بشکه افزایش می‌دهد. اگر مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با کشورهای غربی به نتیجه برسد، یک میلیون بشکه در روز هم توسط ایران اضافه تولید نفت ایجاد خواهد شد. آنگولا نیز اعلام کرده از سال آینده ۳۰۰ هزار بشکه به تولیدات خود اضافه می‌کند.

۱. شاهد این ادعا مربوط به نشست ۱۶۸ام وزرای نفت کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) است که در تاریخ ۱۳ آذر ماه سال جاری در مقر این سازمان در وین برگزار شد. از مهم‌ترین نکاتی که در بیانیه پایانی این نشست وجود دارد این است که برای نخستین بار در تاریخ اوپک، سقفی برای تولید نفت توسط کشورهای این سازمان تعیین نشد که بی‌تردید عربستان یکی از عوامل اصلی این رویداد است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

در مجموع از سال ۲۰۱۵، روزانه ۳/۷ میلیون بشکه نفت اضافی وارد بازار خواهد شد. از سوی دیگر عربستان نیز با چالش‌هایی از جمله افزایش نرخ تقاضای داخلی مواجه است، به‌طوری‌که پیش‌بینی می‌شود رشد ۶ درصدی تقاضای داخلی عربستان که از ۵ سال قبل شروع شده، ادامه پیدا کند؛ به نحوی که مصرف داخلی این کشور از ۲/۷ میلیون بشکه در سال ۲۰۱۳ به ۳/۹ میلیون بشکه در سال ۲۰۱۸ برسد.

عربستان سعودی به‌عنوان دومین تولیدکننده عمده و بزرگترین صادرکننده نفت جهان در نشست‌های اخیر اوپک نه‌تنها از سیاست کاهش تولید دفاع نکرده است، بلکه معتقد بوده که روند کاهش قیمت نفت باید ادامه پیدا کند. فارغ از اینکه مسئله کاهش تقاضا در سطح جهانی و همچنین پاره‌ای از موضوعات مربوط به کاهش بهره‌وری و رشد اقتصادی در سطح جهانی خود عامل بسیار مهمی در کاهش قیمت نفت بوده و خواهد بود، اما آنچه ملموس‌تر به‌نظر می‌رسد سیاست عربستان در بازار نفت است که همزمان بازار آمریکا، روسیه و ایران را به‌دلایل مختلف نشانه رفته است. در ذیل و بنا به تقدم اهمیت، این مؤلفه‌ها ارائه شده است:

- عربستان سعودی در سال‌های اخیر سیاست حفظ سهم بازار را در مقابل سیاست سنتی اوپک یعنی دفاع از قیمت از طریق کاهش تولید دنبال کرده و معتقد است که اوپک در این سال‌ها اشتباه کرده است و باید با عبور از این سیاست سنتی به فکر سهم بازار خود باشد؛ زیرا با کاهش تولید، جا را برای سایر انرژی‌ها و نیز تولید نفت غیراوپکی‌ها عملاً باز می‌کند. بنابراین روشن است که عربستان نه‌تنها تولید نفت خود را کم نکرده است، بلکه به ارائه تخفیف نیز می‌پردازد تا سهم خود را از بازار حفظ کند. علی النعیمی، وزیر نفت عربستان، در اظهارنظری پس از اجلاس ۶ آذر سال ۱۳۹۳ اوپک در وین گفت که به نفع تولیدکنندگان این سازمان نیست که تولید خود را کاهش دهند، حتی اگر قیمت نفت بشکه‌ای، ۲۰، ۴۰، ۵۰ و یا ۶۰ دلار باشد. وزیر نفت عربستان در توجیه این نظر گفته است: اگر من تولید را کاهش بدهم، برای سهمم در بازار چه اتفاقی می‌افتد؟ قیمت بالا می‌رود و سهم من نصیب روس‌ها، برزیلی‌ها و تولیدکننده‌های نفت آمریکایی می‌شود.
- هدف دوم عربستان سعودی که در بلندمدت قابلیت عملیاتی شدن پیدا خواهد کرد، پایین نگهداشتن قیمت نفت است برای اینکه از یک‌سو و در طولانی‌مدت بتواند نفت بیشتری

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

داشته باشد و ازسوی‌دیگر بتواند پروژه‌های نفت شیل آمریکا را غیراقتصادی و بدون صرفه اقتصادی کند؛ زیرا نفت شیل به‌دلیل اینکه با هزینه بالایی تولید می‌شود، نیاز دارد تا در قیمت‌های بالای جهانی تولید و عرضه گردد. ازآنجا که متوسط هزینه تولید نفت شیل بین ۶۵ تا ۷۵ دلار است، زمانی قیمت نفت کاهش پیدا کند و به قیمت‌های زیر ۶۰ و احیاناً ۴۰ و ۲۰ دلار برسد، پروژه‌های نفت شیل غیراقتصادی شده و سوددهی آن‌ها از میان می‌رود. البته این سیاست در کوتاه‌مدت جوابگو نبوده، بلکه در میان‌مدت جوابگو خواهد بود؛ زیرا پروژه‌های فعلی شیل هزینه پایینی دارند، اما برای پروژه‌های جدید عملاً صرفه اقتصادی نخواهند داشت.

- هدف دیگری که عربستان سعودی با هماهنگی آمریکا دنبال می‌کند، حمایت از کاهش قیمت برای فشار بر روسیه، همزمان با فشارهای اقتصادی آمریکا و اتحادیه اروپا بر مسکو است. اینکه تا چه سطح و میزانی میان عربستان سعودی و آمریکا هماهنگی وجود دارد، خود محل تردید است، اما به‌طور کلی می‌توان گفت که این موضوع شاید به‌لحاظ روانی و ذهنی برای سعودی‌ها اهمیت داشته باشد؛ زیرا تنبیه روسیه بر سر مسئله سوریه و همچنین اوکراین ازجمله مواردی است که در بعد سیاست‌های منطقه‌ای و همچنین همراهی بین‌المللی برای عربستان حائز اهمیت بوده و هست.

- چهارمین هدفی که عربستان سعودی در موضوع کاهش قیمت نفت دنبال می‌کند به موضوع فشار بر ایران برمی‌گردد. از دهه ۱۹۷۰ تاکنون، استفاده عربستان سعودی از نفت به‌عنوان سلاحی در برابر رقیب خود ایران، بی‌سابقه نبوده است. در نوامبر سال ۲۰۰۶، نواف عبید، یکی از مشاوران امنیتی عربستان سعودی، در مقاله‌ای در واشنگتن پست نوشت: اگر عربستان سعودی تولید نفت را افزایش و قیمت را تا ۵۰ درصد کاهش دهد، این مسئله برای ایران ویران‌کننده خواهد بود و توانایی‌های ایران را در هدایت صدها میلیون شبه‌نظامی شیعه در عراق و دیگر مناطق کاهش خواهد داد. همچنین یکی از شاهزاده‌های سعودی در گفتگو با مقامات ارشد آمریکایی و بریتانیایی در یک پایگاه عملیاتی ناتو، به ایران هشدار داده بود که از ناآرامی‌های منطقه ناشی از بهار عربی سوء استفاده نکند (irdiplomacy.ir).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

۴-۲. نقش آمریکا در بازار جهانی نفت

آمریکا یکی از مهم‌ترین کشورها در بازار جهانی نفت است، به‌طوری‌که علی‌رغم داشتن سهم پایینی از ذخایر جهانی نفت از مهم‌ترین تولیدکنندگان نفت محسوب می‌شود. ذخایر نفت آمریکا در انتهای سال ۲۰۱۴ برابر با ۴۸/۵ میلیارد بشکه بوده است که به لحاظ رتبه‌بندی پس از کشورهای ونزوئلا، عربستان، کانادا، ایران، عراق، روسیه، کویت و امارات، جایگاه نهم جهان را در اختیار داشته و سهم ۲/۹ درصدی از ذخایر نفت جهان را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر، تولید نفت آمریکا در سال ۲۰۱۴ برابر با ۱۱/۶ میلیون بشکه در روز بوده است که رتبه نخست جهان را در اختیار داشته و پس از آن کشورهای عربستان و روسیه قرار داشته‌اند. آمار مربوط به مصرف نفت آمریکا نیز حاکی از آن است که در سال ۲۰۱۴، آمریکا با مصرف روزانه ۱۹ میلیون بشکه بیشترین مصرف جهانی نفت را در اختیار داشته و پس از آن کشورهای چین و ژاپن قرار داشته‌اند.

۴-۲-۱. نقش آمریکا در کاهش قیمت جهانی نفت

بدون تردید مهم‌ترین سرچشمه کاهش قیمت جهانی نفت، کشور آمریکا است. آمریکا در زمینه کاهش قیمت نفت، هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم نقش داشته است. در مورد نقش مستقیم آمریکا باید اشاره کرد که این کشور با افزایش تولید داخلی نفت، واردات نفت خود را از غرب آفریقا بسیار کم کرده و این نفت (غرب آفریقا)، به بازارهای دیگر صادر شده و خود آمریکا نیز صادرات نفت به کانادا را افزایش داده است که این امر موجب شده کانادا نیز واردات از غرب آفریقا را کاهش دهد. علاوه بر نفت، صادرات میعانات گازی و گاز مایع آمریکا نیز افزایش داشته است.

نقش غیرمستقیم آمریکا در کاهش قیمت نفت به‌واسطه متحد منطقه‌ای‌اش (عربستان سعودی) در ارتباط با تشدید فشار بر روسیه به‌واسطه سیاست‌های این کشور در قبال سوریه و اوکراین و همچنین فشار بر ایران (به‌دلیل تأثیرگذاری کمتر از انتظار تحریم‌ها بر اقتصاد ایران) مفهوم پیدا می‌کند. علاوه بر این زمانی‌که آمریکایی‌ها اعلام کردند داعش را تعقیب می‌کنند و آن را در عراق و سوریه مورد حمله هوایی قرار می‌دهند، نگرانی از توسعه و نفوذ داعش به مناطق نفتی عراق در جنوب و در کردستان کمتر شد و این‌هم بر بازار مؤثر بود. در کنار همه این مباحث، آمریکا

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

علاوه بر گسترش تولید از منابع غیرمتعارف – نفت شیل[1]- (که باعث افزایش عرضه جهانی نفت می‌شود) پس از ۴۰ سال دروازه‌های صادرات نفت خود را گشود و نفتی مازاد به بازارهای اشباع شده جهان سرازیر شد که خود عاملی برای کاهش قیمت محسوب می‌شود.

آمریکا چندین سال است که از منابع غیر متعارف و شیل‌های نفتی، نفت تولید می‌کند. بر اساس آخرین اخبار، آمریکا بیش از ۱۰ میلیون بشکه نفت در روز تولید می‌کند که رقم قابل توجهی است. به‌علاوه آمریکا روزانه ۱/۵ میلیون بشکه نفت هم صادر می‌کند که این می‌تواند تقاضای خرید نفت از اوپک را کاهش دهد و همین موضوع به کاهش قیمت نفت می‌انجامد. ایالات متحده هدف ۲۰ ساله‌ای تا سال ۲۰۳۵ طراحی کرده است که به موجب آن ۱۶ الی ۲۰ درصد از تقاضای خرید نفت از خاورمیانه و اوپک را کاهش دهد. در رابطه با تولید نفت از منابع غیرمتعارف توسط آمریکا، برخی از کارشناسان معتقدند که واشنگتن در حالی از فناوری جدیدی برای استخراج نفت استفاده کرده و با استفاده از این فناوری تولید نفت خود را افزایش داده است که با این کار به چشمه‌ها که منابع اصلی تأمین آب رودخانه‌ها و آب مورد نیاز میلیون‌ها نفر در آمریکاست آسیب وارد می‌کند. این اقدام آمریکا بیانگر آن است که این کشور برای ایجاد بحران در منطقه غرب آسیا و حوزه اوپک از هیچ تلاشی فروگذار نکرده و برای پیشبرد این سیاست خود و البته نفوذ در منطقه، دست به هر اقدام ضد بشری و جنایتکارانه‌ای می‌زند.

بنابراین به جرأت می‌توان گفت که بازی کاهش بهای نفت و در پی آن افزایش تولید نفت عربستان سعودی، با افزایش تولید نفت ایالات متحده و سپس کانادا در سال ۲۰۱۴ کلید خورد و با ورود عربستان سعودی به جنگ یمن، فرسایشی شدن و هزینه‌بر شدن حمایت این کشور از تروریست‌های تکفیری، تثبیت شد و در همین راستا ایالات متحده در سال ۲۰۱۵ تعداد دکل‌های نفت فعال خود را با خیالی آسوده کاهش داد و خود را از این تجارت موقت پرضرر اما هدفمند کنار کشید. تجارتی که جای خود را به فروش پر منفعت اسلحه و راه‌اندازی بیش از پیش

۱. شیل‌های نفتی گروه متنوعی از سنگ‌ها هستند که دارای مواد آلی بوده و بیشتر در حلال‌های آلی غیر قابل حل هستند. اما می‌توان به‌وسیله حرارت دادن (تقطیر) نفت آن‌ها را استخراج کرد. مقدار نفتی که می‌توان از منابع شیل استخراج کرد از حدود ۴ درصد تا بیش از ۵۰ درصد وزن سنگ متغیر است، یعنی این مقدار بین ۱۰ تا ۱۵۰ گالن نفت در هر تن است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

مسابقه تسلیحاتی در منطقه داد. اما پس از گذشت چند ماه و با کسب سود سرشار ناشی از فروش تسلیحات به حکومت‌های وابسته منطقه‌ای، آمریکا دوباره تعداد دکل‌های نفتی خود را افزایش داد.

۵. راهبردهای مقابله با رویکردهای آمریکا و عربستان

تأمل در بازار جهانی نفت نشان می‌دهد که از اواسط سال ۲۰۱۴ میلادی تحرکاتی با محوریت آمریکا – عربستان صورت گرفت، به‌طوری‌که تهدید اقتصادی ایران از کانال کاهش قیمت نفت یکی از اهداف نهایی آن بود. بنابراین اقتصاد ایران با توجه به وابستگی شدیدی که به نفت خام و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات آن دارد باید راهبردهایی برای خنثی‌سازی این رویکرد خصمانه به‌کار بگیرد تا ضمن ایمن‌سازی اقتصاد ایران از این نوع تهدیدها، با چنین رویکردهای خصمانه‌ای نیز مقابله نماید.

با توجه به مباحث مطرح شده در بخش‌های قبلی مقاله و همچنین با استفاده از ظرفیت‌های موجود در اقتصاد ایران، راهبردهایی (به تفکیک کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت که مورد تأکید و تأیید بسیاری از کارشناسان اقتصادی و کارشناسان حوزه انرژی نیز می‌باشد) در چارچوب اقتصاد مقاومتی برای مقابله با چالش‌های مختلف ناشی از کاهش قیمت نفت ارائه می‌گردد.

- خروج از اوپک: با توجه به اینکه عربستان سعودی به‌عنوان دشمن یا حداقل رقیب سنتی ایران، مسلط بر اوپک است بنابراین می‌توان در مورد خروج از سازمانی که دشمن سنتی ایران آن را مدیریت می‌کند، تأمل کرد (راهبرد کوتاه‌مدت). با توجه به این‌که حضور در اوپک توأم با رعایت سهمیه‌های تولیدی این سازمان توسط ایران است، اثر مهمی که خروج از اوپک دارد این است که ایران در بازار نفت به لحاظ تولید و صادرات نفت از هیچ محدودیتی برخوردار نبوده و می‌تواند همچون روسیه و با توجه به منافع ملی اقدام به تولید و صادرات نفت نماید.
- به‌کارگیری تمام پتانسیل کشور نسبت به تأمین منابع برای افزایش تولید نفت و فروش آن از همه راه‌های ممکن جهت مقابله با رویکرد عربستان سعودی و آمریکا (راهبرد کوتاه‌مدت)؛ به‌کارگیری این راهبرد باعث می‌شود تا در کوتاه‌مدت تولید و صادرات نفت ایران افزایش یابد و از این محل، کاهش قیمت نفت جبران شود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

• گسترش دیپلماسی انرژی: مذاکرات ویژه با شرکت‌های بزرگ نفتی و اقتصادی دنیا جهت تغییر در شرایط فعلی به‌منظور فشار به کشورهای تأثیرگذار نظیر عربستان و آمریکا در راستای افزایش منافع خودشان (راهبرد کوتاه‌مدت). به‌کارگیری این راهبرد باعث می‌شود تا شرکت‌های معتبر بین‌المللی که بدون تردید از قیمت‌های پایین نفت منتفع نمی‌شوند، در مقام مقابله و فشار به کشورهای آمریکا و به‌ویژه عربستان برآمده و در راستای افزایش قیمت نفت تلاش کنند.

• گسترش سهم مالیات از بودجه عمومی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در راستای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (راهبرد میان‌مدت و بلندمدت). به‌کارگیری این راهبرد باعث می‌شود تا اقتصاد ایران در میان‌مدت و بلندمدت در مقابل افت قیمت و درآمدهای نفتی مقاوم شده و ضمن اجرایی کردن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با تخاصمات بیرونی نیز مقابله کند. لازم به ذکر است این پیشنهاد می‌تواند در جهت تقویت بندهای ۱۶ و ۱۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی باشد که ناظر به این بحث است (شبکه کانون‌های تفکر ایران، ۱۳۹۳).

• کاهش هزینه‌های جاری دولت (راهبرد میان‌مدت و بلندمدت): به‌کارگیری این راهبرد باعث می‌شود تا از کانال کاهش هزینه‌های جاری دولت، میزان نیازمندی دولت به درآمدهای نفتی برای جبران هزینه‌های جاری کاهش یافته و در مواقع بحران (همانند کاهش قیمت نفت) درجه آسیب‌پذیری اقتصاد کشور کاهش یابد. این راهکار در راستای بندهای ۱۶ و ۱۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌باشد که بندهای فوق ناظر به بودجه، هزینه‌های دولت و مالیات می‌باشند.[۱]

۱. بند ۱۶. صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضروری و هزینه‌های زائد؛ بند ۱۷. اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

• گسترش صادرات غیرنفتی (راهبرد میان‌مدت و بلندمدت): به‌کارگیری این راهبرد عاملی کلیدی در افزایش منابع ارزی کشور و کاهش وابستگی به ارزهای حاصل از صادرات نفت می‌شود. این رویکرد در نهایت باعث مقام‌سازی اقتصاد ملی در برابر تخاصماتی از قبیل تلاش عربستان و آمریکا برای کاهش قیمت نفت می‌شود.[۱] این راهکار در راستای بند"۲"سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌باشد.

• دیپلماسی انرژی به‌عنوان ابزاری مؤثر در بازار نفت و تنوع بخشی به سبد صادرات انرژی به‌منظور کاهش سهم نفت با توجه به چالش‌های موجود و ظرفیت‌هایی که قابلیت به‌کارگیری آن‌ها وجود دارد (راهبرد میان‌مدت و بلندمدت). این راهبرد باعث می‌شود تا اقتصاد ایران از خام‌فروشی فاصله گرفته و ضمن گسترش صادرات فرآورده‌های نفتی با ارزش افزوده بالا، منابع درآمدی ارزی خود را نیز گسترش دهد.

• استفاده بهینه از ظرفیت ممتازی بنام اقتصاد مقاومتی (راهبرد کوتاه‌مدت و بلندمدت): اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی آن ظرفیت بالقوه‌ای است که به‌کارگیری آن باعث کاسته شدن از وابستگی اقتصاد ایران به خام‌فروشی نفت و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات آن شده و اقتصاد کشور را در برابر تخاصمات مختلفی از قبیل کاهش قیمت نفت مقاوم کند.

• سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی در کشورهای دیگر (به‌صورت خرید سهام و اوراق بهادار...) و به‌کارگیری سود ناشی از این سرمایه‌گذاری‌ها در اقتصاد کشور (راهبرد بلندمدت): این راهبرد که یکی از رویکردهای رایج در کشورهای مختلف از جمله نروژ است موجب می‌شود تا هم اثرات ناشی از درآمدهای نفتی به‌طور مستقیم وارد اقتصاد کشور نشود، هم عدالت بین‌نسلی رعایت شود و همچنین اثرات سوء مستقیم افت قیمت نفت بر اقتصاد ایران خنثی شود.

۱. حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به‌منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

• رعایت عدالت بین نسلی و حفظ اصل سرمایه‌ها (داشتن نگاه سرمایه‌ای و نه مصرفی به منابع نفتی توسط مسئولان کشور) (راهبرد بلندمدت): به‌کارگیری این راهبرد باعث می‌شود تا ضمن حفظ سرمایه‌های کشور برای نسل‌های آتی، در مواقعی مثل افت قیمت نفت شاهد اثرات سوء این کاهش بر مخارج جاری دولت نباشیم. این راهکار در راستای بند "۱۸" سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی- افزایش سالیانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت- می‌باشد؛ با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی که در ماده (۸۴) قانون برنامه پنجم توسعه به آن اشاره شده، [۱]محقق می‌شود.

• تجهیز همه امکانات برای جلوگیری از خام فروشی نفت و صادرات فرآورده‌های نفتی با ارزش افزوده بالاتر (راهبرد بلندمدت)؛ به‌کارگیری این راهبرد باعث می‌شود تا نخست، فرآورده‌های با ارزش افزوده بالاتر که درآمد ارزی بیشتری دارند صادر شوند؛ دوم صادرات نفت خام کاهش یافته و در صورت افت قیمت نفت، اثرات سوء آن بر اقتصاد کشور خنثی شود.

• ارتقای بنیان‌های تولید و کمک به تغییر استراتژی تولید از سنتی به تولید تجاری و دانش پایه (راهبرد بلندمدت)؛ به‌کارگیری این راهبرد که البته فرایندی زمان‌بر بوده و در بلندمدت محقق می‌شود باعث می‌شود تا منابع درآمد ارزی کشور از نفت به محصولات دانش‌بنیان تغییر یابد و هرگونه کاهش در قیمت نفت اثر معناداری بر اقتصاد کشور نداشته باشد؛ چراکه منبع اصلی درآمد ارزی کشور تولید دانش‌بنیان است و نه نفت.

• ایجاد ثبات در درآمدهای ارزی به‌واسطه تقویت مدیریت صحیح حساب ذخیره ارزی (یا صندوق توسعه ملی) کشور (راهبرد بلندمدت). استفاده از این راهبرد باعث می‌شود تا نخست، ماهیت واقعی صندوق توسعه ملی یا صندوق ذخیره ارزی حفظ شود و دوم اقتصاد ایران در مقابل افزایش‌ها یا کاهش‌های سیکلی قیمت نفت ایمن شده و اثرپذیر نباشد. لازم به ذکر است این راهکار در راستای بند "۱۸" سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌باشد که استفاده از مکانیزم صندوق توسعه ملی برای کاهش این وابستگی در سایر قوانین از جمله ماده (۸۴) قانون

۱. ماده (۸۴)؛ صندوق توسعه ملی که در این ماده صندوق نامیده می‌شود با هدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی تشکیل می‌شود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

برنامه پنجم توسعه[۱] نیز اشاره شده که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز مجدداً بر آن تأکید شده است.

۶. جمع‌بندی

- بدون تردید شواهد مختلف آماری حاکی از آن است که اقتصاد ایران، اقتصادی وابسته به نفت و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات آن است که وقوع هرگونه اختلال در درآمدهای ارزی صادرات نفت (از کانال‌های مختلفی از قبیل کاهش صادرات نفت، کاهش قیمت نفت و یا تحریم‌های نفتی و بانکی و غیره) باعث آسیب وارد شدن به اقتصاد ایران شده و امنیت اقتصادی ایران با تهدید مواجه می‌شود. بنابراین الگوی اقتصاد مقاومتی راهکاری است که با مدنظر قرار دادن اصول و قواعد مشخص، تضمین‌کننده امنیت اقتصادی ایران می‌باشد. در سال‌های اخیر شاهد این بوده‌ایم که با غرض‌ورزی کشورهای آمریکا و عربستان سعودی قیمت نفت روندی کاهشی به خود گرفته است که این امر می‌تواند به‌عنوان تهدیدی برای اقتصاد ایران محسوب شود و ضروری است در چارچوب اقتصاد مقاومتی راهبردهایی برای مقابله با آن تبیین شود. ارائه راهبردهایی جهت مقابله با کاهش قیمت نفت و اثرات ناشی از آن بر اقتصاد ایران، مستلزم آگاهی از چالش‌ها، ظرفیت‌ها و اهداف مدنظر است. اهم چالش‌های کلان و ملی مرتبط با نفت که می‌توان بیان کرد عبارتند از: کاهش قیمت نفت، کسری بودجه دولت، اختلال در بازار ارز و گسترش بازار موازی ارز، اختلال در تجارت خارجی، کاهش سرمایه‌گذاری دولتی، کاهش رشد اقتصادی، اختلال در انجام وظایف صندوق توسعه ملی، ضعف در دیپلماسی انرژی و نبود راهبرد مشخصی در حوزه انرژی.

– در کنار چالش‌هایی که مطرح گردید، ظرفیت‌هایی نیز در اقتصاد ایران وجود دارد که اهم آنها عبارتند از: اقتصاد مقاومتی، اقتصاد بدون نفت، گسترش سهم مالیات از بودجه عمومی، کاهش هزینه‌های جاری دولت، گسترش صادرات غیرنفتی، دیپلماسی انرژی به‌عنوان ابزار اثرگذاری در بازار نفت و تنوع‌بخشی به سبد صادرات انرژی به‌منظور کاهش سهم نفت.

– با توجه به چالش‌های موجود و ظرفیت‌هایی که قابلیت به‌کارگیری آن‌ها وجود دارد، اهم اهداف نیز عبارتند از: مقابله با کاهش قیمت نفت، کاهش تدریجی وابستگی اقتصاد ایران

۲. پیشین

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

به نفت (امری که نزدیک به ۲۰ سال پیش در مطالبات رهبری نمود یافته و در سیاست‌های کلی نظام از جمله سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز مورد تأکید دوباره ایشان قرار گرفته است)، قطع وابستگی بودجه عمومی دولت به نفت و صرفه‌جویی در مخارج جاری دولت. با شناخت چالش‌های کلان، ظرفیت‌های کشور و اهداف مدنظر، راهبردهای مختلفی (تبیین شده در بخش پنجم مقاله حاضر) به تفکیک کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت (که مورد تأکید و تأیید بسیاری از کارشناسان اقتصادی و کارشناسان حوزه انرژی نیز می‌باشد) در چارچوب اقتصاد مقاومتی برای مقابله با چالش‌های مختلف از جمله خصومت و تلاش برخی کشورها (آمریکا و عربستان) برای کاهش قیمت نفت ارائه شده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]

منابع

اولین و دومین نشست تخصصی گروه اقتصاد مقاومتی پژوهشکده علوم اقتصادی (مبانی نظری)، دانشگاه علامه طباطبائی، آبان ماه ۱۳۹۱.

بررسی وضعیت وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی و راهکارهای عملی برون رفت از آن (۱۳۸۹).

درخشان، مسعود (۱۳۹۱)،" امنیت انرژی و تحولات آینده بازارهای نفت و گاز"، *فصلنامه راهبرد*، سال ۲۱، شماره ۶۴.

رحیم‌دوست، الهه (۱۳۹۳)، "ورود آمریکا به بازار نفت آسیا و پیامدهای آن بر امنیت اقتصادی ایران"، *ماهنامه امنیت اقتصادی*، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصادی.

سیف، الهمراد (۱۳۹۱)، "الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی))"، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال ۵، شماره ۱۶.

شبکه کانون‌های تفکر ایران، روحانی سید علی، "درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ۶، شاخص‌های ارزیابی تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (ویرایش اول)"، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش با شماره مسلسل ۱۴۱۴۸، بهمن ماه ۱۳۹۳، صص ۵۲-۴۷.

نیکوقدم، مسعود (۱۳۹۰)، *آسیب‌شناسی شیوه‌های جذب درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران؛ با نگاهی به تجربه کشور نروژ*.

Briguglio, L.; Cordina, G.; Bugeja, S. & N. Farrugia (2006), *Conceptualization and Measuring Economic Resilience*, Economics Department, University of Malta.

http://www.bp.com/.

http://hassantash.blogfa.com/.

http://www.leader.ir/.

http://www.eia.gov/.

Mintzberg, H.; Ahlstrand, B. & J. Lampel (2009), *Strategy Safari: The Complete Guide Through the Wilds of Strategic Management*, Edinburgh Gate.

Martin, R. & P. Sunley (2014)," On the Notion of Regional Economic Resilience: Conceptualisation and Explanation", *Journal of Economic Geography*.

WWW.OPEC.org.

WWW.CBI.ir.

World Energy Outlook (2012), International Energy Agency.

http://irdiplomacy.ir/fa/page/1942195/%D8%AE%D9%88%D8%A7%D8%A8+%D9%86%D9%81%D8%AA%DB%8C+%D8%B9%D8%B1%D8%A8%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86+%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C+%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA+%D8%B1%D9%88%D8%AD%D8%A7%D9%86%DB%8C.html.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-28]